

# بررسی تطبیقی مضامین نوگرایی در سروده‌های جمیل صدقی الزهاوی و فرخی یزدی

فاطمه اردونی، دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه بیرجند

Fatemeordoni72@birjand.ac.ir

احمد لامعی گیو، دانشیار دانشگاه بیرجند

Ahmad.lamei2@birjand.ac.ir

## چکیده

روابط فرهنگی، اقتصادی و نظامی ایرانیان با اعراب به روزگار ساسانیان بازمی‌گردد و با ظهور اسلام این تعاملات گسترده‌تر گردید و در دوره‌های مختلف تاریخی فراز و فرودهایی را پشت سر نهاده است. دوره نهضت در عراق و انقلاب مشروطه در ایران و آشنایی مردمان این دو کشور با فرهنگ و تمدن غرب، موجب تحول در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی دو ملت گردید و روشنفکران بیرق تجددخواهی را در ابعاد گوناگون به اهتزاز درآوردند. از پرچمداران نوگرایی در عراق، می‌توان جمیل صدقی الزهاوی و در ایران، فرخی یزدی را نام برد. الزهاوی دارای آثار منظوم و مثنوی است که مضامین شعری وی زن، آزادی، وطن، علم‌گرایی و ... می‌باشد. او خود را مصلح می‌داند و هدفش اصلاح جامعه بود. فرخی یزدی نیز به سبب روح آزادی‌خواهی‌اش متحمل رنج‌های فراوانی شد. وی به شاعر لب‌دوخته معروف است. او نیز به مسائلی همچون آزادی، وطن، علم و ... توجه دارد. پژوهش حاضر کوشیده‌است با رویکرد مکتب فرانسوی به بررسی تطبیقی مضامین نوگرایی در سروده‌های این دو شاعر بپردازد. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که نوگرایی در اشعار الزهاوی در قالب و مضمون می‌باشد، اما در اشعار فرخی فقط در مضمون است. مهم‌ترین مؤلفه‌های مشترک نوگرایی در سروده‌های این دو شاعر عبارت است از: آزادی‌خواهی، حقوق زن، علم‌گرایی، ستایش وطن و استعمارستیزی با این تفاوت که مضامین حقوق زن، نوگرایی و علم‌گرایی در اشعار الزهاوی و ستایش وطن و آزادی‌خواهی در سروده‌های فرخی یزدی از بسامد بیشتری برخوردار می‌باشد.

واژگان کلیدی: نوگرایی، ادبیات تطبیقی، الزهاوی، فرخی یزدی، سروده‌ها.

## ۱. مقدمه

ادبیات تطبیقی، شاخه‌ای از نقد ادبی است. ادبیات تطبیقی، در فرانسه بالید و به دیگر کشورهای اروپایی و سپس به همه‌ی جهان رسید. به سرعت دیدگاه‌های متفاوتی درباره‌ی آن عرضه شد. مکتب فرانسوی و مکتب آمریکایی، نظریات برجسته و مهمی ارائه کردند. فرانسویان بر معیار زبان و فرهنگ تاکید کردند. نظریه‌پردازان مکتب آمریکایی تنها به زبان توجه نکردند، آن‌ها دامنه‌ی ادبیات تطبیقی را گسترده‌تر کردند و بر ملیت و هویت سیاسی، بیشتر تاکید کردند (محمدی، ۱۳۸۹: ۸۴، ۸۵). عرب‌ها و ایرانی‌ها جزو ملت‌هایی می‌باشند که با یکدیگر ارتباط و تعامل دارند که شناخت، سنجش و مقایسه‌ی آثار ادبی این دو ملت فقط با مطالعه‌ی ادبیات تطبیقی صورت می‌گیرد در این مقاله به مطالعه‌ی تطبیقی در عصر نهضت و انقلاب مشروطه و تغییرات ناشی از آن پرداخته‌می‌شود و یکی از این تغییرات، نوگرایی است، نوگرایی در اشعار جمیل صدقی الزهاوی در عراق و فرخی یزدی در ایران، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۱-۱ شرح مسأله

فارسی بعد از عربی زبان دوم جهان اسلام است و تعامل بسیاری از گذشته دور تا به امروز بین این دو زبان و فرهنگ وجود داشته‌است با ظهور اسلام، زبان فارسی در جامعه‌ی اسلامی نشر یافت و تمدن فارسی، در افکار و

اندیشه‌ی عرب تأثیر گذاشت (ندا، ۱۴۱۲: ۳۸) و نمی‌توان تأثیر این دو فرهنگ را بر یکدیگر کتمان کرد و بدون مطالعات تطبیقی میزان تأثیر و تأثر این دو زبان را به درستی دریافت. ادبیات تطبیقی به توصیف چگونگی تعامل و تبادل گونه‌های مختلف ادبی می‌پردازد (ندا، ۱۴۱۲: ۲۰). غنیمی الهلال از پیشگامان عرصه‌ی ادبیات تطبیقی در این- باره می‌گوید: ادبیات تطبیقی به پژوهش‌هایی گفته می‌شود که، آثار ادبی را از نظر فکری، شرایط تاریخی و اجتماعی مورد بررسی قرار دهد (بی‌تا: ۷۷). با ایجاد تغییرات سیاسی و اجتماعی در کشورهای عربی در عصر نهضت و انقلاب مشروطه در ایران و پس از آن، نگرش جامعه به مسائل سیاسی، اجتماعی و ... متحول گردید و یکی از این متغیرها مدرنیته و ادبیات مدرنیسم می‌باشد. نوگرایی و ادبیات مدرنیستی، در آثار شاعران معاصر ایران از جمله میرزاده عشقی، فرخی یزدی، احمد شاملو و.. دیده می‌شود و نیز در ادبیات عربی می‌توان به شاعرانی از جمله عبدالوهاب البیاتی، آدوینس، جمیل صدقی الزهاوی و غیره اشاره کرد. جمیل صدقی الزهاوی در بغداد متولد شد آثار منظوم و منظوری از خود برجای گذاشته است. وی یکی از پرچمداران نوگرایی در شعر معاصر عربی محسوب می‌شود. در ادبیات فارسی نیز می‌توان فرخی یزدی را در زمره‌ی شاعران نوگرا دانست. فرخی در یزد متولد شد وی از شعرا و روزنامه‌نگاران معروف می‌باشد. فرخی به دلیل روح‌آزادی‌خواهی اشعاری علیه مستبدان سرود و به همین دلیل متحمل رنج‌های فراوانی شد. وی یکی از نوگرایان در عصر مشروطه می‌باشد که هدفش آگاهی و اصلاح جامعه می- باشد. مطالعه و بررسی تطبیقی مضامین نوگرایی در اشعار جمیل صدقی الزهاوی و فرخی یزدی پژوهشگران را برآن داشت تا ضمن بیان درون‌مایه‌های شعری این دو شاعر، گامی در جهت احیای روابط درخشان گذشته و تقویت آن بردارد. در این کنکاش برآنیم که نگاهی گذرا به اوضاع سیاسی و اجتماعی این دو شاعر بیندازیم و پس از آن به تحلیل بارزترین مفاهیم نوگرایی در اشعار این دو شاعر مبادرت نماییم.

## ۲-۱ پیشینه‌ی پژوهش

تاکنون در باره‌ی موضوع مورد مطالعه، پژوهش‌هایی انجام شده که از باب امانت‌داری و رعایت اخلاق علمی، به ذکر بارزترین آن‌ها می‌پردازیم: ۱- ناصر محسنی نیا در پژوهش «جمیل صدقی زهاوی و زبان و ادبیات فارسی» (۱۳۸۹) به میزان آشنایی جمیل صدقی الزهاوی و توانمندی‌های شاعر در ادبیات فارسی اشاره کرده است؛ ۲- علی سلیمی و سمانه نوروزی در پژوهش «پایداری در شعر فرخی یزدی و ابراهیم طوقان (همگونی در مضمون، نوآوری در سبک)» (۱۳۹۲) به وجوه مشترک و تفاوت‌های شعر پایداری این دو شاعر و مضمون اشعار و سبک این دو شاعر نیز پرداخته است؛ ۳- «جمیل صدقی الزهاوی حیات و شعر» نوشته‌ی یوسف علی الدویدیه محمد (۱۴۲۹). این پایان- نامه به معرفی زندگی و شعر جمیل صدقی الزهاوی پرداخته است؛ ۴- کتاب *الشعر العراقي الحديث* مرحله و تطور نوشته‌ی جلال خیاط (۱۴۰۷). این کتاب در مورد زندگی الزهاوی و مضامین شعری او اشاره کرده است؛ ۵- کتاب *الزهاوی شاعر الحریه* نوشته‌ی انور جندی (۱۹۶۰). در این کتاب به صورت گسترده در مورد الزهاوی و اشعارش سخن گفته است؛ ۶- مقاله‌ی «اصلاح‌طلبی و نوگرایی فرخی یزدی» نوشته‌ی محمود صادق‌زاده (۱۳۸۷). در این مقاله به نوآوری در سروده‌های فرخی می‌پردازد. همانطور که ملاحظه گردید، پژوهشگران از ابعاد و زوایای مختلف به زندگی و هنر شعری این دو شاعر پرداخته‌اند، اما تا آن‌جا که مطالعات نشان می‌دهد، هیچ پژوهشی در مورد بررسی تطبیقی مضامین نوگرایی در اشعار جمیل صدقی الزهاوی و فرخی یزدی انجام نشده است.

## ۳-۱ پرسش‌های پژوهش

این تحقیق می‌کوشد تا به سؤالات ذیل پاسخ گوید:

- ۱- تحولات سیاسی و اجتماعی چه نقشی در نوگرایی اشعار این دو شاعر داشته است؟
- ۲- مهم‌ترین مضامین نوگرایی دو شاعر چیست؟
- ۳- تفاوت‌ها و شباهت‌های نوگرایی دو شاعر کدام است؟

#### ۴-۱ فرضیه‌ها

- ۱- تحولات سیاسی و اجتماعی عصر نهضت در عراق و مشروطه در ایران، وجود استعمارگران سبب آشنایی با دنیای غرب و نوگرایی در شعر شد.
- ۲- الزهاوی بیشترین مضمون شعری‌اش در مورد زن و وطن است، اما فرخی بیشتر به آزادی و وطن توجه دارد.
- ۳- هر دو شاعر هدفشان از نوگرایی در شعر آگاهی مردم و اصلاح جامعه می‌باشد. نوگرایی در اشعار جمیل صدقی الزهاوی هم در مضمون و هم در قالب می‌باشد، اما نوآوری فرخی یزدی فقط در مضمون می‌باشد.

#### ۴-۱ روش پژوهش

این پژوهش با تتبع در آثار شعرای معاصر و سپس پردازش اطلاعات با استفاده از روش کتابخانه‌ای، فیش‌برداری، تجزیه و تحلیل و طبقه‌بندی اطلاعات جمع‌آوری شده، با رویکرد مکتب فرانسوی به بررسی تطبیقی مضامین نوگرایی در اشعار جمیل صدقی الزهاوی و فرخی یزدی پرداخته است.

#### ۲. درآمدی بر اوضاع سیاسی اجتماعی عصر الزهاوی و فرخی یزدی

با ایجاد تغییرات سیاسی و اجتماعی در کشورهای عربی در عصر نهضت و نیز انقلاب مشروطه در ایران و پس از آن، نگرش جامعه به مسائل اجتماعی، سیاسی و غیره، متحول گردید. قرن نوزدهم، اولین عوامل نهضت را در برداشت. در این زمان عراق تابع خلافت عثمانی و بعد آن تحت استعمار بریتانیا بوده است. امپراطوری عثمانی به ولایات مختلفی تقسیم می‌شد که همه‌ی این ولایات تحت نظر سلطان بود. جمع‌آوری مال چه از طریق مشروع و غیر مشروع، رواج رشوه و چپاول اموال مردم توسط کارگزاران دولت دیده می‌شد. در سال ۱۹۱۷م ارتش بریتانیا، بصره را اشغال کرد و عراق تحت نمایندگی بریتانیا قرار گرفت. در اواخر ۱۹۲۰م بعد خبر سقوط دمشق به دست فرانسوی‌ها، عراقی‌ها در طی یک انقلابی خواستار آزادی شدند و در نهایت این انقلاب به شکست انجامید؛ زیرا به درستی سازماندهی نشده بود (الدوید محمد، ۱۴۲۹: ۷، ۹). اشغال عراق توسط بریتانیا تأثیر بر روی بیداری و آگاهی افکار عمومی گذاشت و سبب آشنایی با مظاهر مادی جدید شد و در بین مردم عراق، اصرار بر مقاومت و جنبش در راه استقلال کشور جریان داشت. شعرا نیز با مردم همراه شدند (عزالدین، ۱۹۶۲: ۱۵). در این برهه، دو جریان بر حیات ادبی عرب سیطره داشت، جریان اول به قدیم و دوری از صنعت و تصنع گرایش داشت تا تقلیدی از عملکرد رفیع عرب در زمان گذشته باشد، اما، جریان دوم، هم به قدیم نگریست و هم به دستاوردهای معاصر که ثمره‌ی ادبی آن، حمل بذر نوگرایی بود. البته پرچمداران این نهضت، نویسندگان و شاعران و ناقدان بودند، اما میزان همیاری و مشارکت هر یک از آن‌ها در جهت بخشیدن به حرکت ادبی به سمت نوگرایی و تجدد تفاوت داشت (ابوجهجه، ۱۳۸۴: ۵۲). عناصر نوگرایی عبارت اند از: صداقت، طرد و انکار، محور قرار دادن وجدان انسانی و عالم درونی او، درک مسأله‌ی سرنوشت انسانی، درد و رنج جدایی و غربت روحی می‌باشد؛ این موارد، شرح روشنی از مفاهیم نوگرایی در تجربه‌ی شخصی و مرارتهای و مشقت‌های ادیب و تصورات دیدگاه‌های حاصل از آن ارائه می‌دهند (همان، ۲۲).

در سال ۱۲۸۳ شمسی در ایران انقلاب مشروطه به وجود آمد. مورخان نقطه‌ی آغاز برخورد ایران و غرب را در دوره‌ی صفوی می‌دانند که پس از جنگ‌های ایران و روس قوت می‌گیرد و از حد ارتباط‌های سیاسی به برخورد فرهنگی و فرهنگ‌پذیری می‌رسد. این برخورد از میل به اصلاح و ترقی آغاز می‌شود و تا نیل به تحول و سپس حرکت در مسیر رشد و توسعه ادامه می‌یابد. در رأس این تحولات اجتماعی و فرهنگی انقلاب مشروطه قرار دارد. مقدمات و توابع آن: آشنایی با زبان و فرهنگ بیگانه و علوم و فنون جدید، تأسیس مدارس جدید، تحصیل زنان، وقوع انقلاب کبیر فرانسه و جنگ‌های ایران و روس و انگلیس و شکست‌های پی‌در پی ایران، استبداد دولت قاجار

و... می‌باشد. همچنان که انقلاب مشروطه تحت تأثیر انقلاب کبیر فرانسه بود و ملهم از افکار اروپایی بود، نوگرایی شعر مشروطه هم ملهم و متأثر از تحولات شعری اروپا بود (امین‌پور، ۱۳۸۳: ۲۹۷، ۲۹۶). صدای اصلی مشروطیت، بیشتر، یا میهن پرستی است یا انتقاد اجتماعی؛ درون‌مایه‌های شعر مشروطه، در قیاس در دوره‌ی قبل، مسائلی از قبیل: آزادی، وطن، انتقادهای اجتماعی می‌باشد (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷: ۳۵، ۳۴).

مؤلفه‌های مدرنیته و ادبیات مدرنیستی، در آثار شاعران معاصر ایران از جمله در شعر نیما یوشیج، احمد شاملو، فرخی یزدی و فروغ فرخزاد دیده می‌شود و نیز در ادبیات عربی می‌توان به شاعرانی از جمله شاکر السیاب، عبدالوهاب البیاتی، جمیل صدقی الزهاوی، آدونیس و ابو القاسم الشابی اشاره کرد.

## ۱-۲ معرفی اجمالی جمیل صدقی الزهاوی و فرخی یزدی

جمیل صدقی الزهاوی در سال ۱۸۶۳ در بغداد متولد شد. پدرش محمد فیضی مفتی عراق بود نسبش به حاکمان سلیمانیه برمی‌گردد سبب شهرتش به زهاوی که پدربزرگش به زهاو، در ایران مهاجرت کرده بود و با یک خانمی از زهاو ازدواج کرده بود (الجنیدی، ۱۹۶۰: ۱۰). الزهاوی به سبب هوش سرشار که داشت در علم انگشت‌نمای همگان بود. او علاوه بر زبان عربی، فارسی و ترکی را نیز فراگرفت. از وی آثار متعددی که دلیل بر فضل و دانش اوست برجای مانده است. از آن جمله است در نثر: کتاب *الکائنات و العجائب و تعلیمها و المجلد ممالی و غیر آن*. در شعر: *الکلم المنظوم و رباعیات الزهاوی و دیوان اشعار و غیره* (فاخوری، ۱۳۶۱: ۷۲۸). الزهاوی در مناصب مختلفی قرار گرفت و از اعضای مجلس معارف در بغداد بود. سپس به عضویت دادگاه استیناف درآمد. بعد از آن در مدرسه ملکیه آستانه، به عنوان استاد فلسفه اسلامی و نیز در دارالفنون همان مدرسه به عنوان استاد ادبیات عرب مشغول کار شد و سپس استاد مجله مدرسه حقوق بغداد، سپس نماینده مجلس نمایندگان عثمانی و بعد نماینده مجلس بغداد و سپس رئیس هیئت مترجمان قوانین به زبان عربی در بغداد شد. بعد از آن تا زمان مرگ، از اعضای مجلس اعیان عراق بود (الزهاوی، ۱۳۹۲: ۱۱). هدف از شعر برای الزهاوی تغییر و اصلاح می‌باشد؛ تغییر از فساد به اصلاح، از استبداد به آزادی و خروج از تاریکی به سوی نور. انگیزه‌های شعر برای الزهاوی از واقعیات مردم سرچشمه می‌گیرد بنابراین شاعر زمان و عصر خویش است بیشتر مسائل اجتماعی را تاکید می‌کند؛ که گمراهی‌ها را می‌بیند و آن را با استفاده از شعر به تصویر می‌کشد و مردم را به ترک آن فرامی‌خواند (الخیاط، ۱۴۰۷: ۵۸). اما از شاعران معاصر جمیل صدقی الزهاوی، فرخی یزدی می‌باشد که عصر مشروطه و حضور استعمار در ایران را درک کرده است و به مانند الزهاوی به نوگرایی توجه داشته و هدفش اصلاح و آزادی وطنش می‌باشد.

میرزا محمد، متخلص به فرخی، فرزند محمد ابراهیم سمسار یزدی، در سال ۱۳۰۶ هجری قمری در یزد متولد شد. پس از طی دوران خردسالی مشغول تحصیل گردید. فرخی نزدیک پایان تحصیلات مقدماتی در مدرسه مرسلین انگلیس‌های یزد، به علت روح آزادی‌خواهی و افکار روشن وی و اشعاری که بر علیه اولیای مدرسه می‌سروده، وی را به مناسبت شعر پائین که در حدود سن ۱۵ سالگی سرود است از مدرسه خارج نمودند. روی هم‌رفته تحصیلات فرخی تقریباً تا حدود ۱۶ سالگی می‌باشد. فارسی و مقدمات عربی را فرا گرفته و چون از طبقه متوسط بود پس از خروج از مدرسه به کارگری مشغول گردید و از دسترنج خود که مدتی در کار پارچه‌بافی و مدتی هم در کار نانوائی بوده، امرار معاش می‌کرد (فرخی یزدی، ۱۳۶۹: ۱۴، ۱۳). در آغاز جوانی، آنگاه که حدود قدرت دولت مشروطه از حومه‌ی شهر تهران فراتر نمی‌رفت، شاعر که شیفته‌ی تعالیم اجتماعی مشروطیت بود شعری خطاب به حکمران شهر یزد ساخت و او را به رها کردن «خوی ضحاک» تشویق کرد. لحن شاعر جوان آنقدر آموزگارانه و آمرانه و منش او آن‌چنان مستقل و بی‌پروا بود که حکمران در پاسخ دستور داد دهانش را با نخ و سوزن بدوزند. فرخی «شاعر دهن دوخته» لقب یافت ولی هیچ‌گاه دهانش را نیست و در سال‌های بعد با صراحت و جدیت بیشتری نوشت و فرخی به تهران آمد و اندکی بعد، در محیط آزاد و در عین حال آشفته دوران مشروطیت، به روزنامه‌نگاری پرداخت (سپانلو، ۱۳۷۵: ۵، ۶). دیوان فرخی شامل غزل، قصیده، مسمط، مستزاد، و رباعی است. حدود ۳۷۹ رباعی و

۱۸۸ غزل دارد. اما هنر اصلی او همان غزل است. موضوع شعرهای او غالباً همان موضوعات رایج در شعر این دوره از جمله: آزادی، عدالت، مبارزه با تسلط بیگانگان، زن، دهقان، کارگر، مبارزه طبقاتی، فقر و غنا، صلح و... می-باشد (امین پور، ۱۳۸۳: ۳۳۹).

### ۳. بررسی مضامین نوگرایانه

الزهاوی هم‌زمان با عصری بود که حوادث فکری، اجتماعی جامعه را تکان داد و اذهان مردم بر مسائلی هم‌چون نوگرایی، اکتشافات جدید، نظریات غربی آشنا شدند. مردم فریادهای آزادی زنان، حقوق مساوی زنان در برابر مردان، آزادی و حق انتخاب سرنوشت خود را می‌شنیدند (الدویدیه محمد، ۱۴۲۹: ۱۵، ۱۶). مورخان الزهاوی را شاعر نوگرا و مدرنیته می‌دانند به چهار دلیل:

۱- مبارزه با تقلید و عادات اشتباه و دعوت به آزادی، نوگرایی و اصلاح مسائل اجتماعی؛

۲- دفاع از حقوق زنان؛

۳- آوردن نظریات علمی و افکار فلسفی در شعر؛

۴- آزادی از قید و بندهای زبان، استفاده از اصطلاحات علمی و ممارست در شعر نو.

الزهاوی بر اندیشه، سیاست، مسائل اجتماعی در گذشته و نیز علیه حاکمان مستبد و ظالم قیام کرد و سلاطین عثمانی و والیان آنها را مورد انتقاد قرار داد (الجنیدی، ۱۹۶۰: ۲۸). الزهاوی در مورد شعر می‌گوید: برای شعر قواعدی است؛ بلکه شعر برتر از این قواعد می‌باشد. شعر مانند انسان زنده است که رشد و پرورش می‌کند و به سوی پیشرفت حرکت می‌کند. الزهاوی از شعرپیشینان که برای فرزندان خود به ارث گذاشته‌اند، تقلید نمی‌کند. وی معتقد است که آن چیزی که پیشینان به آن احساس نیاز می‌کردند در شعر امروز مدنظر نمی‌باشد. الزهاوی در انتخاب اوزان آزاد است. شاعر شعرش را به نظم درمی‌آورد خواه اوزان خلیلی باشد و یا غیر آن. و به این شعر فرامی‌خواند و می‌گوید:

كُلُّ الْفُنُونِ تَجَدُّدٌ	وَالشَّعْرُ يَعزُوهُ الْجَدِيدُ
مَا قَامَ حَتَّى أَثَقَلَتْ	هُ مِنْ قَوَافِيهِ الْقِيُودُ
مَا ضَرَّ سَامِعَهَا لَوْ اخْت	غَتْ قَوَافِيهَا الْقَصِيدُ

(الخیاط، ۱۴۰۷: ۶۵، ۶۶).

همه‌ی هنرها جدید و نو می‌شوند و شعر نیز جدید و نو می‌شود.

تا زمانی که شعر قید و بندهای قافیه را داشته‌باشد نمی‌تواند حرکت کند.

برای شنونده ضرر ندارد اگر قافیه در شعر پوشانده‌شود.

این قصیده را بدون قافیه به نظم درآورد و آن را شعر مرسل خواند.

فرخی یزدی در تعریف تجدد می‌گوید: تجدد به زعم ما عبارت است از: آشنایی به اصول تمدن اروپایی امروز و اتخاذ طرز زندگی مادی آنها، برای بهبود اوضاع فعلی ایران. ما و هر متحرک حساسی که شعور ذاتی نیز داشته‌باشد، با آن موافق هستیم و هیچ‌گونه بحث و اشکال و یا اختلاف و نزاع هم با دیگران در قبول این فکر اساسی نداشته و نخواهد داشت. وی ابتدا برای جلب توجه روشنفکران و حتی عامه‌ی مردم به ضرورت نوگرایی و ترقی تاکید می‌کند و می‌نویسد: اصولاً رشد و نمو از خواص ذاتی و طبیعی هر موجود زنده و ذی حیات است و هیچ قوه‌ای برای جلوگیری از ترقی موجوداتی که خدا و طبیعت، خاصیت رشد و کمال را به آنها اعطا نموده‌اند، قادر نیست (صادق-زاده، ۱۳۷۸: ۱۵۸). فرخی یزدی اگر چه به قالب‌های کهن شعر فارسی وفادار است؛ اما تغییراتی در آن به وجود می-آورد او توانمندی‌های قالب غزل را به خوبی شناخت و با وارد کردن مضمون‌های سیاسی، اجتماعی و حماسی به آن رنگی تازه بخشید. از نوآوری‌های فرخی در غزل درآوردن آن از محدوده‌ی شعر غنایی و توسعه‌ی ظرفیت محتوایی

و معنایی آن است، بدین معنی که فرخی از قالب غزل در بیان مرام و افکار سیاسی و اجتماعی خود استفاده- کرد (سلیمی و نوروزی، ۱۳۹۲: ۱۲۲).

همان‌طور که مشاهده گردید، نوآوری در اشعار جمیل صدقی الزهاوی هم در قالب شعری و هم در مضمون شعر می‌باشد. اما نوآوری فرخی یزدی فقط در مضمون می‌باشد و به قالب شعر کهن وفادار است. دو شاعر، درنوآوری مضمون، از مسائل اجتماعی و واقعیات زندگی مردم خود سخن می‌گویند. بررسی دقیق مضامین و درون‌مایه‌های شعری شاعران در این جستار نمی‌گنجد، از این رو در این مجال به برخی از برجسته‌ترین این مضامین اشارت می‌گردد.

### ۳-۱ علم‌گرایی

یکی دیگر از مضامین نوگرایی در اشعار الزهاوی دعوت به علم و علم‌آموزی می‌باشد. او اشعار زیادی در مورد فضیلت علم سروده‌است. وی معتقد است برای رسیدن به مجد و بزرگی باید علم آموخت. در ستایش و بزرگی علم این گونه می‌سراید:

وَالْجَهْلُ حِرْمَانٌ لَهَا وَبَوَارِ	الْعِلْمُ ثَرَوَةٌ أَمَةٌ وَيَسَارِ
بِالْعِلْمِ صَارَتْ تَنْطِقُ الْأَحْجَارِ	بِالْعِلْمِ أَطْلَعَتْ السَّبَلَادَ كَوَاكِبًا
بِالْعِلْمِ غَاصُوا فِي الْبَحَارِ وَطَارُوا	بِالْعِلْمِ أَدْنَى النَّاسِ شَقَهُ أَرْضَهُمْ

(الزهاوی، ۱۹۲۴: ۲۲۹).

علم ثروت و ذخیره‌ی امت است و جهل نوامیدی و محرومی می‌باشد. کشور به وسیله‌ی علم پیشرفت می‌کند و حتی به وسیله‌ی علم سنگ‌ها سخن می‌گویند. مردمی که بدبخت هستند به وسیله‌ی علم می‌توانند در دریاها فرو روند و پرواز کنند. الزهاوی نیز در مورد علم این گونه می‌گوید:

حَتَّى يُلَاقِي مِنْهُ جُهْدًا	مَا إِنْ يَنَالِ الشَّعْبُ مَجْدًا
شَعْبٌ مِنَ الْجَهْلِ اسْتِمْدَادًا	قَدْ خَابَتِ الْأَمْالُ فِي
الْعُلْيَاءِ مَا لَمْ يَلْقَ وَقْدًا	لَا يَهْتَدِي السَّارِي إِلَى

(همان، ۲۶۵)

ملتی به مجد و بزرگی می‌رسند که تلاش و کوشش کنند. ملتی که از جهل یاری می‌جویند، آرزوهایشان از بین می‌رود. هیچ رونده‌ای به سوی بزرگی هدایت نمی‌شود مگر این که علم بیاموزد. فرخی در مقاله‌ی «ملت هم مقصراست» با نكوهش بی‌سوادی، سستی، ضعف اخلاقی و تاکید بر از بین بردن صفت- های زشت ادامه می‌دهد: می‌توانید با یک نهضت اجتماعی، اصلاحات اساسی را در این کشور بی‌سر و سامان و در این خرابه‌ای که گنج‌های شایان، به زیر تل و خاک نهفته‌است شروع کرده، به اراده‌ی سالم، خود را از چنگال عفریت کسالت و بی‌کاری نجات می‌دهد (صادق‌زاده، ۱۳۷۸: ۱۵۳).

فرخی در مورد اهمیت علم و دعوت به آن این گونه توصیف می‌کند:

همدوش به مردمان دنیا نشویم	با علم و عمل اگر مهیا نشویم
ما بنده شویم اگر که دانا نشویم	نادانی و بندگیست توأم به خدای

فرخی راه رهایی از ظلم و بیداد را رهایی از جهل می‌داند و مردم را به علم فرا می‌خواند:

تا نشود جهل ما به علم مبدل	پیش ملل بندگی ملل ماست مسجل
توده‌ی ما فاقد حقوق سیاسی است	تا نشود جهل ما به علم مدل
ما همگی جاهل و ز دانش محروم	پیر و جوان شیخ و شاب کامل و اکمل
وین همی ناقصی است زان و مپن‌دار	کار صحیح آید از گروهی محتل

(همان، ۲۰۱).

از اشعار این دو شاعر این گونه برمی‌آید که دو شاعر مردم و هم‌وطنان خود را به علم فرا می‌خواند و راه رهایی از ظلم، استبداد و رسیدن به حقوق خود را، منوط به داشتن علم می‌داند. این دو شاعر از جهل مردمانشان به ستوه آمده و برای این که سخن‌آنها تأثیر گذارتر باشد با لحن تند با مردم سخن می‌گویند.

## ۲-۳ ستایش وطن

جمیل صدقی الزهاوی در مورد ستایش وطن این چنین می‌سراید:

نَفْدِيكَ مِنْ لِلرُّشْدِ وَهَجَاجِ	نَمَشِي عَلَي ضَوْئِهِ فِي لَيْلِنَا الدَّاجِي
بِالْاِتِّحَادِ اَعْتَصَمَ اِنْ كُنْتُ مُعْتَصِمًا	فَاِنَّهُ لِلتَّرْقِي خَيْرٌ مِنْهَاجِ
اِنْ الذِّي اَخَذْتُ عَيْنِي تُشَاهِدُهُ	قَدْ اَبْهَجَ النَّفْسُ مِنْئِي اِيْ اِبْهَاجِ
اَرَى الْعَدَالَهَ يَا قَلْبِي الْكَشِيْبُ وَفَت	بِوَعْدِهَا وَهِيَ كُلُّ السُّؤْلِ وَالْحَاجِ

(الزهاوی، ۱۹۲۴: ۲۷۴).

ای وطن (ستاره‌ی فروزان هدایت را فدای تو می‌سازم و در شب تاریک در نور آن راه می‌رویم. اگر پایبند هستی به ریسمان اتحاد چنگ بزن به درستی اتحاد بهترین چراغ هدایت است. ای وطن) تو کسی هستی که چشمان من آن را مشاهده می‌کند جان و روح شاداب و باطراوت می‌شود. ای قلبم عدالت را می‌بینم که پیر شده و به وعده‌هایش وفادار نیست. الزهاوی نیز در سروده‌ای دیگر وطنش را این گونه توصیف می‌کند:

وَطْنِي الْعِرَاقُ وَرَبُّ لَيْلٍ سَاكِتٌ	مَا كُنْتُ تَسْمَعُ فِيهِ غَيْرَ شَهِيْقِي
قَدْ طَالَ حَتَّى خَلَّتْ اِنْ نُجُومُهُ	مَرْبُوطَةٌ فِي جَوْفِهِ بِعَرُوقِي
تُبْدِي الهمومُ نَوَاجِذًا مَسْنُونَهُ	فَاكَاذَ مِنْ فَرَعِي اَغْضُ بَرِيْقِي

(همان، ۲۷۸).

عراق وطن من است هر چند که شب‌ها ساکت است و در آن جز صدای گریه و ضجه شنیده نمی‌شود. مدت طولانی ستاره‌ای در آن نیست و ریشه‌ی آن خشک شده است. به هنگام غم و انده دندان‌های تیزم آشکار می‌شود. نزدیک است از شدت ناله درخشش از بین برود. فرخی یزدی نیز در یکی از قصایدش مردم را به مبارزه علیه استبداد فرا می‌خواند و در مورد وطن و ایران این چنین می‌سراید:

مرا بارد از دیدگان اشک خونی	بر احوال ایران و حال کنونی
غریقم سراپای در آب و آتش	ز آه درونی زاشک برونی

زبان آوران وطن را چه آمد  
که لب بسته خو کرده با این زبونی  
چه شد ملتی را که یزدان ز قدرت  
همی داد بر اهل عالم فزونی  
( ۱۳۶۹: ۱۹۴ )

و در قصیده‌ای دیگر نیز با یاد کردن مفاخر ایران باستان مردم را علیه استبداد فرا می‌خواند:  
عید جم شد ای فریدون خوبت ایران پرست  
مستبدی خوی ضحاک است این خونه زدست  
حالی کز سلم و تور انگلیس و روس هست  
ایرج ایران سراپا، دستگیر و پای بست  
به که از راه تمدن ترک بی‌مهری کنی  
در ره مشروطه اقدام منوچهری کنی  
این همان ایران که منزلگاه کیکاوس بود  
خوابگاه داریوش و مأمَن سیروس بود  
(همان، ۱۸۶)

جمیل صدقی الزهاوی و فرخی هر دو به ستایش از وطن می‌پردازند. الزهاوی در ستایش وطن آن را به ستاره‌ی هدایت تشبیه کرده‌است. فرخی نیز در ستایش وطن از بزرگان و قهرمانان ایران یاد می‌کند. دوشاعر با بیدار کردن حس میهن‌پرستی مردم را به مبارزه علیه استبداد فرامی‌خوانند.

### ۳-۳ دفاع از حقوق زن

جمیل صدقی الزهاوی زن را این‌گونه توصیف می‌کند:

إِنَّ نِسَاءَ رَبِيعٍ  
وَأِنَّهُنَّ رِيحِينَ  
وَأِنَّهُنَّ إِذَا أَظْلَمَ  
تَشْتَأْفُهُنَّ قُلُوبُ  
لَنَا وَنَعَمَ الرَّبِيعُ  
زَاهِرَاتُ تَضْوَعُ  
تُ لِيَالِ شَمُوعِ  
لَنَا حَوْتِهَا الضُّلُوعِ  
( ۱۹۲۴: ۳۱۰ )

زنان مثل بهار هستند برای ما چه خوب بهاری هستند.  
زنان باغ‌هایی هستند که شکوفه‌های خوشبویی دارند.  
زنان در تاریکی به مانند شمع می‌باشند.  
قلب‌هایشان تپنده و مملو از عشق است.

الزهاوی در مورد جایگاه زن و مرد و حقوقشان در خانواده این چنین می‌سراید:

زوجانِ كُلِّ مِنْهَا  
مِنْ بَعْدِ مَا عَاشْنَا مَعَا  
لِحَلِيهِ قَدْ كَانَ نَدَا  
مَادَا جَرَى حَتَّى أَلْدَا  
هَذَا بِنَاءَهُمَا وَمَا  
أَحْرَاهُمَا إِنْ لَّا تَهْدَا  
لِزَوْجٍ كَانَ هُوَ الْوَالِدَى  
يُولِي الرِّضَى ثُمَّ اسْتَرْدَا  
عَلَى جَمِيعِ حُقُوقِهَا  
مِنْ بَعْدِ لَذَّتِهِ تَعْمَلَا  
(همان، ۳۱۰)

زن و مرد در کنار هم در آرامش هستند.  
زندگی می‌کنند، صاحب بچه می‌شوند.



این فرزندان برای آن‌ها مایه‌ی آرامش هستند. همسر خوب کسی است که رضایت و خوشبختی را به خانواده منتقل می‌کند. این وظیفه‌ی او است و برایش لذت‌بخش است. فرخی یزدی هنر اصلی‌اش غزل می‌باشد. غزل را بیشتر برای بیان مسائل سیاسی و اجتماعی خود به کار می‌برد، اما غزل‌های عاشقانه نیز دارد هرچند اندک می‌باشد. فرخی در توصیف زیبایی معشوق خود این چنین می‌گوید:

قمری چو من مدیح تو سروچمن نگفت	گرگفت مدح سروچمن همچو من نگفت
هرجا روی حکایت شیرین و خسرو است	یک تن سخن ز درد دل کوهکن نگفت
پروانه از شراره‌ای از دست رفت لیک	با آن‌که شمع سوخت سراپا سخن نگفت
هرکس که دید لعل چو یاقوت دوست را	دیگر سخن ز رنگ عقیق یمن نگفت

(۱۳۶۹: ۱۱۰).

و نیز در توصیف عشق این گونه می‌سراید:

از دیده نریخت آب تا سوخت دلم	از دیده نریخت آب تا سوخت دلم
از دیده نریخت آب تا سوخت دلم	از دیده نریخت آب تا سوخت دلم

(همان، ۲۴۵).

جمیل صدقی الزهاوی و فرخی یزدی هر دو به ستایش و توصیف زن می‌پردازند و برای زن ارزش و جایگاهی قائل می‌باشد. اشعار جمیل صدقی الزهاوی در اشعارش به زن و حقوق مساوی بین زن و مرد توجه دارد و اشعارش در مورد زن بیشتر از اشعار فرخی دیده می‌شود.

#### ۳-۴ آزادی خواهی

جمیل صدقی الزهاوی در مورد آزادی و عدم آزادی این گونه می‌سراید:

مَآذًا عَلَيَّ مَنَ الَّذِي قَدَ قَلَّتْهُ	أَوْ لَسْتَ حُرَّ الرَّأْيِ وَ التَّفْكِيرِ
هَلْ فِي مَقَامِي الْحَقِّ فِي عَهْدِ بِهِ	قَدَ أَعْلَنَ الدُّسْتُورَ مِن مَحْظُورِ
يَا قَوْمُ حَسْبِيَ اللَّهُ هَلْ أَنَا مَخْطِئٌ	أَمْ أَنْتَ بِاللُّدُسْتُورِ غَيْرِ جَدِيرِ

(۱۹۲۴: ۱۹۲).

چه کسی از آزادی سخن می‌گوید؟ یا این که آزادی وجود ندارد. حق در این دوران چه جایگاهی دارد؟ (حق) در قانون اساسی اعلام نشده‌است. ای قوم خداوند شما را کافی است. آیا من اشتباه می‌کنم یا شما با قوانین ظالمانه؟ فرخی یزدی در مورد ستایش آزادی و رسیدن به آزادی این گونه می‌گوید:

آن زمان که بنهادم سر به پای آزادی	دست خود زجان شستم از برای آزادی
تا مگر به دست آرم دامن وصالش را	می‌دوم به پای سر در قفای آزادی
با عوامل تفکیر صنف ارتجاعی باز	حمله می‌کند دایم بر بنای آزادی
فرخی زجان و دل می‌کند در این محفل	دل نثار استقلال، جان فدای آزادی

(۱۳۶۹: ۱۷۷).

فرخی در غزلی آزادی را چنین تفسیر می‌کند:

قسم به عزت و قدر و مقام آزادی  
 هزار بار بود به زصبح استبداد  
 که روح بخش جهانست نام آزادی  
 برای دسته‌ی پا بسته شام آزادی  
 که داشت از دل و جان نام آزادی  
 به پیش اهل جهان محترم بود آنکس  
 (همان، ۱۴).

جمیل صدقی الزهاوی و فرخی یزدی هر دو از آزادی سخن می‌گویند. فرخی در اکثر سروده‌هایش از آزادی و ستایش آن سخن می‌گوید اما جمیل صدقی الزهاوی در مورد آزادی کم‌تر سخن به میان می‌آورد.

### ۳-۵ استکبارستیزی

الزهاوی در مورد نکوهش عثمانی‌ها می‌سراید:

خَفَّفَ مِنَ الظُّلْمِ إِبْقَاءَ وَ تَهْوِينَا  
 يَا مَالِكَ الْأَمْرِ إِنَّ النَّاسَ قَدْ ضَجَرُوا  
 فَالظُّلْمُ يَقْتُلُنَا وَ يَحْيِينَا  
 غَامِلٍ بِرَفْقِ رَعَايَاكَ الْمَسَاكِينَا  
 فَابْدِلْهُ إِنْ شِئْتَ فِي الْأَحْوَالِ تَحْسِينَا  
 لَيْسَتْ طَرِيقَكَ مَحْمُودًا مَغْتَبَهَا  
 ( ۱۹۲۴ : ۲۸۵ ).

از ظلم و ستمگری کم کن. ما ظلم را از بین می‌بریم و عدل را زنده می‌کنیم. ای پادشاه مردم به تنگ آمده‌اند. به مردم و مساکین توجه داشته باش. این شیوه‌ی تو پسندیده نیست. این شیوه را تغییر بده تا اوضاع و احوال ما خوب شود. الزهاوی نیز در نکوهش والیان این گونه می‌گوید:

قَسَتْ قُلُوبَ وُلاةِ أَنْتَ مُرْسِلَهُمْ  
 تَرَاهُمْ أَغْنِيَاءَ عِنْدَ مَصْلِحِهِ  
 كَأَنَّمَا اللَّهُ لَمْ يَخْلُقْ  
 وَ فِي الْمَفَاسِدِ تَلْقَاهُمْ شَيْطَانِيَا  
 ( همان )

قلب‌های شما والیان سخت و سنگدل است گویی که خداوند برای شما مهربانی قرار نداده است. در اصلاح، شما افراد کودن و غبی می‌باشید. و در فساد به مانند شیطان هستید. فرخی در نکوهش لرد کرزن وزیر امور خارجه‌ی انگلستان این گونه می‌گوید:

تا بود جان گران‌مایه به تن  
 بعد از ایجاد صد آشوب و فتن  
 سر ما و قدم خاک وطن  
 لرد کرزن عصبانی شده است  
 بهر ایران زچه رو در لندن  
 ما بزرگی به حقارت ندهیم  
 داخل مرثیه خوانی شده است  
 چون که ما تن به اسارت ندهیم  
 گوش بر حکم سفارت ندهیم  
 سلطنت را به ما امارت ندهیم  
 ( ۱۳۶۹ : ۱۹۶ ).

فرخی در نکوهش قوام السلطنه این گونه می‌گوید:

محو شود ایران ز اقدام السلطنه  
 مذهبش کافر پرستی دینش آزادی‌کشی  
 محو بادا در جهان نام قوام السلطنه  
 گشته بیت‌المال ملت بهر مشتی مفتخور  
 ای دریغ از دین و اسلام قوام السلطنه  
 مخزن الطاف و انعام قوام السلطنه

(همان، ۲۰۴).

نکوهش بیگانگان و حاکمان از جمله مضامینی می‌باشد که هر دو شاعر به آن توجه داشته‌اند و در اشعارشان بدان پرداخته‌اند. نوآوری در اشعار جمیل صدقی الزهاوی هم در قالب و هم در مضمون دیده می‌شود ولی نوآوری در اشعار فرخی یزدی فقط در مضمون مشاهده می‌شود. فرخی بیشترین اشعارش در مورد وطن و آزادی می‌باشد. هدف هر دو شاعر مبارزه با استعمار و آزادی می‌باشد و خود را، به عنوان یک مصلح اجتماعی می‌دانند.

#### ۴. نتیجه‌گیری

ایرانیان با اعراب از دیرباز ارتباط و تعامل داشته‌اند و با ظهور اسلام این تعاملات بیشتر شد. این ارتباط در حوزه‌ی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد و میزان تأثیر و تأثر این دو فرهنگ را با مطالعات تطبیقی می‌توان دریافت. عصر نهضت در عراق و انقلاب مشروطه در ایران، آشنایی با افکار و تمدن غرب سبب ایجاد تغییراتی در مسائل اجتماعی، سیاسی و ... شد. ادبیات این دوره تولد و تحول دیگری یافت و مسیری کاملاً متفاوت را پیمود و به سمت نوگرایی حرکت کرد، تجددگرایی یکی از دستاوردهای این تحول است. نوگرایی در اشعار جمیل صدقی الزهاوی و فرخی یزدی وجود دارد. اشعار مدرنیته‌ی این دو شاعر از تحولات سیاسی - اجتماعی و آشنایی با غرب سرچشمه می‌گیرد. مضامین تجددگرایی در اشعار این دو شاعر مشترک است. این دو ادیب خود را صاحب رسالت می‌دانند که هدفشان هدایت و ارشاد مردم می‌باشد. مهم‌ترین مضامین در شعر الزهاوی علم، نوگرایی و زن است، اما فرخی وطن و آزادی را خطاب قرار می‌دهد. فرخی عاشق آزادی می‌باشد چنان که در اکثر سروده‌هایش از آن سخن می‌گوید. در سروده‌های جمیل صدقی الزهاوی نوگرایی در مضمون و قالب دیده می‌شود. او در قالب نوآور است و اعتقاد دارد که قافیه به مثابه‌ی زنجیر به پای شعر می‌باشد و به آن اجازه‌ی حرکت و پیشرفت نمی‌دهد و هدفش اصلاح جامعه و هدایت مردم است. اما در اشعار فرخی نوآوری فقط در مضامین شعری می‌باشد. غزل هنر اصلی وی است و از قالب غزل برای بیان افکار سیاسی و اجتماعی استفاده می‌کند اما به قالب‌های کهن فارسی وفادار است. فرخی هدفش از این نوآوری در مضامین شعری هدایت و ارشاد است.

سؤالی که ذهن نگارندگان را به خود معطوف داشته این است که چرا فرخی یزدی جایگاه شایسته‌ی خویش را در ادبیات معاصر فارسی کسب نکرد و از طرف دیگر الزهاوی به عنوان شاعر فیلسوف معروف می‌باشد اما اقلام نویسندگان کم‌تر بدان پرداخته‌اند، از این رو پژوهش در این ابعاد را به دیگر پژوهشگران توصیه می‌کنیم

#### منابع و مأخذ

- ۱- ابوجهجه، خلیل ذیاب؛ نوگرایی در شعر معاصر عرب؛ ترجمه محمدباقر حسینی ملیحه سادات طوسی، چاپ اول، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۴.
- ۲- الجندی، انور؛ الزهاوی شاعر الحریه؛ چاپ اول، القاهر: الدارالقومیه للطباعه و النشر، ۱۹۶۰.
- ۳- الدوبیده محمد، یوسف علی. (۱۴۲۹). جمیل صدقی الزهاوی حیاته و شعره، کارشناسی ارشد. دانشگاه ام درمان الاسلامیه.
- ۴- الزهاوی، جمیل صدقی؛ فجر صادق؛ مترجم: ابوالقاسم غضنفری، گردآورنده: پژوهشکده حج و زیارت، چاپ اول، تهران: معشر، ۱۳۹۲.
- ۵- الزهاوی، جمیل صدقی؛ دیوان الزهاوی؛ چاپ اول، القاهر: المطبعه العربیه، ۱۹۲۴.
- ۶- الفاخوری، حنا؛ تاریخ ادبیات زبان عربی از عصر جاهلی تا قرون معاصر؛ ترجمه‌ی: عبد محمد آیتی، چاپ ششم، تهران: توس، ۱۳۶۱.
- ۷- امین پور، قیصر؛ سنت نوآوری در شعر معاصر؛ چاپ اول، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
- ۸- خیاط، جلال؛ الشعر العراقی الحدیث مرحله و تطور؛ چاپ دوم، بیروت: دارالرائد العرب، ۱۴۰۷.
- ۹- سپانلو، محمدعلی؛ شعر شهر فرخی زندگی و بهتری آثار محمد فرخی یزدی؛ چاپ اول، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۵.

- ۱۰- سلیمی، علی؛ نوروزی، سمانه؛ «پایداری در شعر فرخی یزدی و ابراهیم طوقان (همگونی در مضمون، نوآوری در سبک)»؛ کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، شماره ۹، ۱۳۹۲؛ صص: ۱۰۹ تا ۱۳۶.
- ۱۱- شفیعی کدکنی، محمدرضا؛ ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت؛ چاپ سوم، تهران: سخن، ۱۳۸۰.
- ۱۲- صادق‌زاده، محمود؛ «بررسی اصلاح‌طلبی و نوگرایی از دیدگاه فرخی یزدی (۱۲۶۷-۱۳۱۸)»؛ پژوهشنامه ادب حماسی، سال چهارم، شماره ۷، ۱۳۸۷؛ صص: ۱۴۸ تا ۱۶۶.
- ۱۳- عزالدین، یوسف؛ التيارات الادبیه فی العراق الزهاوی... الشاعرالقلق؛ چاپ اول، بغداد: مطبعة المعارف، ۱۹۶۲.
- ۱۴- غنیمی هلال، محمد؛ الادب المقارن؛ چاپ اول، القاهرة: دارالثقافه، بی‌تا.
- ۱۵- فرخی یزدی، محمد؛ دیوان فرخی یزدی غزلیات قصاید، قطعات، رباعیات و فتحنامه با تصحیح و مقدمه در شرح احوال شاعر؛ به کوشش حسین مکی، چاپ هفتم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹.
- ۱۶- مسرت، حسین؛ زندگی و شعر فرخی یزدی پیشوای آزادی؛ چاپ اول، تهران: ثالث، ۱۳۸۴.
- ۱۷- ندا، طه؛ الادب المقارن؛ چاپ اول، بیروت: دارنهضة العربیه، ۱۴۱۲.

